

# مشاوره با الهام از بهار

هانیه ملکی

بهار و پاییز چه تفاوتی با هم دارند؟ چه رویدادی در طبیعت رخ می‌دهد که این همه زیبایی می‌آفریند و نشاط بی‌بدیل در انسان‌ها ایجاد می‌کند؟ تفاوت ریشه‌های این دو فصل در این است که در پاییز ارتباط ریشه‌ها و تاروپود جلوه‌های طبیعی و زیبایی‌های چشم‌نواز با یکدیگر و با تغذیه‌های زمینی و زمینه‌ای قطع می‌شود و حیات طبیعت از طراوت می‌افتد. در بهار دوباره این ارتباط و تعامل عناصر طبیعت بازمی‌گردد و در اثر دادوستدهای گوناگون، زنده‌دلی و زنده‌پروری به‌عنوان یک سنت الهی نمایان می‌شود. بدین ترتیب می‌توان گفت: ارتباط پاییزی، سردی و کم‌رنگی به دنبال دارد و ارتباط بهاری، زنده‌دلی و نشاط را افزایش می‌دهد. می‌توان از مشاور و مشاوره‌های بهاری و پاییزی سخن گفت. مشاوره بهاری بر مدار ارتباط در مناسب‌ترین و معقول‌ترین شکل خود قرار می‌گیرد و مشاوره پاییزی، آگاهانه و ناآگاهانه، قصد دارد با تمرکز در یک نقطه و محصور شدن در یک موضوع ویژه، دردها و درمان‌ها را در همان نقطه جست‌وجو کند. این قصد و آرزو هرگز در مشاوره، مخصوصاً در مشاوره‌های مدرسه‌ای، برآوردنی نیست. هر چند باید مسئله مراجع را به‌طور دقیق شناخت، ولی نباید از یک مسئله واحد، بدون نگاه بهاری به جان درمان‌جو، «حصار مشاوره‌ای» ساخت.

مشاور باید مسئله را دریابد و زمینه‌های بروز و پیدایش آن را در ابعاد و اضلاع زندگی جست‌وجو کند. اگر چنین کرد، مشاوره او به بهار شباهت دارد، زیرا که برگ‌ریزان پاییز با برقراری نظام ارتباطی

بین اجزای طبیعت به برگ‌های بهاری تبدیل می‌شود. برگ‌هایی که به تعبیر زیبای شاعر حکیم، سعدی «هر ورقش دفتری است معرفت کردگار». مشکلات رفتاری و مضامین اخلاقی دانش‌آموز را باید با تدبیرهای مشاوره‌ای بهاری حل کرد. شاید خیلی از مسئله‌ها به سادگی حل نشوند، ولی می‌توان با رعایت «قاعده ارتباط» از مشکلات کاست و با مراجع همدل‌تر شد. برای انجام چنین مشاوره‌ای که بوی بهار می‌دهد، باید خود مشاور، بهاری باشد. آیا می‌توان تصور کرد که فردی با نظام گسسته روانی و عاطفی بتواند جلوه‌هایی از بهار را در نظام روانی مراجع ایجاد کند؟ بعید است چنین نتیجه‌ای به‌دست آید. هر کسی که نقش مشاور را می‌پذیرد، به‌طور طبیعی تعهدی را قبول می‌کند که در نوع خود بی‌بدیل است. به یک مراجع، مخصوصاً مراجع دانش‌آموز یاری رساندن، او را به طریق درست رهبری کردن و از بروز ظهور مسائل پیچیده‌تر جلوگیری کردن رسالت عظیمی است که با سایر نقش‌ها قابل مقایسه نیست.

البته مربیگری و نقش معلمی ارزش و تأثیر خاصی دارد که با هیچ فعالیت دیگری قابل مقایسه نیست. اما اگر دانش‌آموزی در مسیر تربیت به یک مشکل اخلاقی و رفتاری برخورد کرد، چاره چیست؟ مربیان راه و طریق انسان شدن را نشان می‌دهند، ولی مشاوران در دست‌اندازها و موانع این راه کارگشایی می‌کنند. انجام این کار بسیار مهم و ایفای نقش اثرگذار از سوی مشاور، به روح و روان عادی و بدون مسئله نیاز دارد. هیچ‌گاه فردی که سرمایه‌های



ندارد، نمی‌تواند به دیگری عطا کند.

اینجاست که باز صلاحیت مشاوره‌ای، ضرورت خود را نمایان می‌سازد و همهٔ کسانی را که به نوعی خدمات مشاوره‌ای را در زندگی انسان‌ها ضروری می‌دانند، به تفکر دعوت می‌کند. اگر در مطالب پیشین از مشاوره به الهام از بهار سخن به میان آمد، به خاطر اهمیت نقش مشاور است. چهرهٔ پاییزی زندگی نوعاً به‌خاطر مسئله‌های حل نشده و مشکلات طرح نشده است. چنانچه مسائل درونی در یک فردی پنهان بماند و برای بررسی و حل آن اقدام نشود، به تدریج ریشه می‌دواند و حل آن دشوار می‌شود.

گاهی نیز ممکن است راه‌حل‌ها به مثابه نوش داروی بعد از مرگ سهراب باشند و اثری باقی نگذارند. به موقع باید به حل مسائل اقدام کرد و راه را برای مراجع گشود.

از بعد اجتماعی مشاوره نیز نباید غافل شد. مشاوره بین مشاور و مراجع رخ می‌دهد، و به اندازهٔ دو نفر، فضای اجتماعی شکل می‌گیرد. بدیهی است که هر قدر تعداد افراد زیاد شود، به پیچیدگی روابط افزوده می‌شود. ولی در مشاوره نوعاً فضای اجتماعی ساده‌تری نمایان است. آنچه که اهمیت دارد و نامرئی است، نوعی مناسبات اجتماعی نامطلوبی است که در یک مراجع، مسئله یا مشکلی را ایجاد کرده است. نباید غفلت کرد که نوعاً پشت سر مسائل فردی، یک یا چند مسئلهٔ اجتماعی نیز وجود دارد. اصولاً مسائل انسانی نه صرفاً جنبهٔ روان‌شناختی و نه صرفاً جنبهٔ جامعه‌شناختی دارند. آن چنان ابعاد روانی و اجتماعی به هم

گره خورده‌اند که نمی‌توان آن‌ها را تفکیک و یا تجزیه کرد.

لذا مشاور باید کاشف صحنهٔ اجتماعی مسائل مراجع نیز باشد. این توانایی نیازمند بینش اجتماعی است و این بینش نیز نه صرفاً با گذراندن چند واحد درس علوم اجتماعی، بلکه از طریق «تفکر اجتماعی» و «ذهن نقاد» شکل می‌گیرد. حقیقتاً این بینش نصیب مشاورانی می‌شود که مانند بهار، نظام ارتباطی خود را برای فهم مسائل و پیدا کردن راه‌حل‌ها وسعت داده‌اند و از نگاه محدود پاییزی فاصله گرفته‌اند.

اکنون در آستانه بهار زیبا قرار داریم و شاید هم تا انتشار مجله به بهار رسیده باشیم و از آن گذشته باشیم. تذکر این نکته به همگان - همگانی که کار مشاوره انجام می‌دهند - لازم و ضروری است که امکان دارد که مراجع، مخصوصاً مراجع جوان که محاط در یک زندگی رنگارنگ است، دچار برگ‌ریزان پاییزی شده باشد. برگ‌هایی در زندگی او به زردی گراییده باشند و نوعی اندوه دلش را گرفته باشد. در این حال، مشاور باید با برگ‌های بهاری با او مواجه شود. بی‌شک همدلی‌های او و گوش شنوای او به اعتماد مراجع می‌افزاید و سبب می‌شود، راحت‌تر دردهای خود را بیان کند، این همان رویش بهاری است که به نظام ارتباطی قوی شکل می‌دهد و نشاط ناشی از همدلی را فراهم می‌سازد. پس برادر و خواهر عزیز که حرفهٔ مشکل‌گشای مشاوره را انتخاب کرده‌ای، بیا در آستانه بهار پیمان ببندیم:

**همچون بهار با طراوت و سرزنده باشیم تا به شکوفایی برسیم.**